

آگاتا
کریستی

وسرانجام مرگ

ترجمه فائزه اسکندری

کاراگای

www.ketab.ir



www.ketab.ir

سرشناسه: کریستی، آگاتا (میلر)، ۱۸۹۱-۱۹۷۶ م.

Christie, Agatha (Miller)

عنوان و نام پدیدآور: و سرانجام مرگ / آگاتا کریستی؛ ترجمه فائزه اسکندری.

مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۶۹ ص

شابک: ۷-۲۷۳-۴۵۶-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: داستان‌های انگلیسی -- قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده: اسکندری، فائزه، ۱۳۶۶-، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ م ۴۳۸۷/ک ۳/۳ PZ

رده‌بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۹۶۶۷۹

و سرانجام مرگ

آگاتا کریستی

مترجم: فائزه اسکندری

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Death Comes as the End, Aghatha christie, Fontana / Collins, UK, 1976

طراح جلد: حبیب ایلون

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: آیکان

همه حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتراز میدان ونک، شماره ۲۴۹۳

تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴



فهرست

یادداشت نویسنده هفت

فصل اول: دومین ماه طغیان، روز بیستم	۱
فصل دوم: سومین ماه طغیان، روز چهارم	۱۵
فصل سوم: سومین ماه طغیان، روز چهاردهم	۲۷
فصل چهارم: سومین ماه طغیان، روز پانزدهم	۳۷
فصل پنجم: چهارمین ماه طغیان، روز پنجم	۴۷
فصل ششم: نخستین ماه زمستان، روز چهارم	۵۷
فصل هفتم: نخستین ماه زمستان، روز پنجم	۶۹
فصل هشتم: دومین ماه زمستان، روز دهم	۷۷
فصل نهم: دومین ماه زمستان، روز دهم	۸۵
فصل دهم: چهارمین ماه زمستان، روز ششم	۹۷
فصل یازدهم: نخستین ماه تابستان، روز یازدهم	۱۰۹
فصل دوازدهم: نخستین ماه تابستان، روز دوازدهم	۱۲۷
فصل سیزدهم: نخستین ماه تابستان، روز بیست و سوم	۱۳۵
فصل چهاردهم: نخستین ماه تابستان، روز بیست و پنجم	۱۴۱
فصل پانزدهم: نخستین ماه تابستان، روز سی ام	۱۵۵
فصل شانزدهم: دومین ماه تابستان، روز اول	۱۶۷
فصل هفدهم: دومین ماه تابستان، روز اول	۱۸۵

یادداشت نویسنده

یکی از دوستانم، مصرشناسی مشهور، شبی سر شام بی مقدمه گفت: «کاش یک داستان جنایی درباره مصر باستان می نوشتی. رمان های تاریخی معمولاً خیلی جدی و قوی هستند.» من که در آتش اشتیاق می سوختم آن شب با هشت جلد کتاب قطور راجع به مصرشناسی به خانه رفتم و چنان مجذوب احتمالات جذاب پیش آمده در طی سلسله پادشاهی های مختلف شدم که روز بعد بمب هایی را که از آسمان می ریخت به کلی فراموش کردم؛ با اینکه بدجور هم شدید بود. (آن موقع لندن در جنگ بود.)

مدتی سرگرم دزدان مقبره بودم و در نهایت به خانواده یک «کاهن کا» در سلسله یازدهم پادشاهی رضایت دادم. همان اواخر نامه های آن ها کشف شده بود و از یک کشمکش داخلی جذاب پرده برداشته بود. فرم کلی خانواده به وجود آمد و آن قدر در نظرم شناخته شده بود که انگار در همین دوره زندگی می کردند. چه بسا دوست مصرشناسم گه گاه از اینکه چنین پیشنهاد عجولانه ای به من داده بود پشیمان می شد، چون مرتب با او تماس می گرفتم و چنین سؤال هایی می پرسیدم: در حیاط خانه چه گل هایی وجود داشت؟ وعده غذایی روزانه شامل چه چیزهایی بود؟ چه ساعتی از روز خورده می شد؟ می شود فهرستی از نام های مردان و زنان برایم بفرستی؟ بچه ها چه نوع شیرینی می خوردند؟ همه خانواده سواد خواندن و نوشتن داشتند یا کاتب داشتند؟

عملاً برای یافتن پاسخ تمام سؤالات مخصوصاً سؤالات پیش پا افتاده

احتیاج به تحقیق زیادی بود. با این حال، در نهایت کتاب تمام شد. دوست مصرشناسم بسیار مشتاق بود و حتی نامه آزاردهنده یکی از طرفداران که نوشته بود «خانم کریستی عزیز، خیلی خیلی بهتر می‌شد اگر داستانی در مورد قتل در بلم^۱ می‌نوشتید» هم نتوانست حس پیروزی آمیخته با غرورم را از بین ببرد.

آ.ک.

۱۹۵۳

www.ketab.ir